

تاریخ وصول: ۹۱/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۷

## دیدگاه‌های حقوق بشری در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره)

احمد فدوی بنده قرائی<sup>۱\*</sup>

ابراهیم تقی زاده<sup>۲</sup>

۱- مربی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، مرکز مشهد، مشهد، ایران.

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

### چکیده

نهضت انقلاب اسلامی ایران با رهبری حکیمانه حضرت امام(ره) فرصت بسیار مناسبی را فراهم آورد تا برای اولین بار یک فقیه جامع‌الشرایط و برجسته که خود اقدام به تأسیس یک نظام سیاسی کرد، آرا و اندیشه‌ها و دیدگاه‌های خود را نیز درباره مسائل مختلف حقوق بشر با بهره‌گیری از منابع فقه و در رابطه با جامعه سیاسی اسلامی ارائه نماید. ما در این مقاله ضمن بررسی تحول حقوق بشر در اسلام، موضوعات حقوق بشری از دیدگاه حضرت امام(ره) را مورد بحث قرار داده و در هر بخش با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های ایشان به تجزیه و تحلیل مطالب مورد بحث می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی(ره)، حقوق بشر، آزادی، اسلام، غرب.

۳۵

فصلنامه مطالعات

حقوق شر اسلامی

دیدگاه‌های حقوق بشری در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره)

احمد فدوی بنده قرائی و همکار

در بین اندیشمندان و متفکران جهان اسلام، حضرت امام خمینی (ره) گذشته از آن که به عنوان بنیان‌گذار یک نظام سیاسی اسلامی مطرح است به عنوان اندیشمندی برجسته و صاحب‌نظر در علوم و معارف مختلف شناخته می‌شود که این امر بیانگر شخصیت چندبعدی ایشان است. امام (ره) به دلیل آشنایی کامل به شرایط و اوضاع و احوال خاص جهانی در مسائل گوناگون و تسلط به ابواب مختلف علوم مرتبط، خصوصاً در حوزه اندیشه سیاسی و فقهی به عنوان یک دکترین و صاحب‌نظر قلمداد می‌گردد. یکی از مباحث بسیار مهم و قابل تأمل در حوزه اندیشه سیاسی امام (ره) مباحث مربوط به اصول و قواعد حقوق بشری است که به رغم اهمیت خاص آن کمتر مورد توجه سایر تئوری‌پردازان و صاحبان اندیشه قرار گرفته است و آن گونه که شایسته است شناخته نشده‌اند. از دیدگاه حضرت امام (ره) قواعد حقوق بشری واقعی که دارای پشتوانه الهی و معنوی است آن چنان از جایگاه محکمی برخوردار است که نه تنها دربرگیرنده حقوق واقعی و فطری نوع بشر است بلکه رعایت آن‌ها از سوی دولت‌مردان کشورها و جامعه جهانی کمکی است به حفظ نظام‌های سیاسی از آسیب‌های احتمالی.

از دید حضرت امام (ره) و بسیاری از اندیشمندان اسلامی، اعتبار حقوق بشر بدین خاطر است که اصولاً حقوق بشر و نوع انسان‌ها، جزئی از مکتب اسلام و قوانین الهی است و در واقع ایمان به این مکتب و تفکر است که به حقوق بشر اعتبار بخشیده و در نتیجه موجب می‌گردد که در پرتو تفکر دینی، حقوق بشر از عمق و الزام و ضمانت اجرای بیشتری برخوردار شود. در این مقاله برانیم که ابتدا گذری کوتاه به تاریخ و تحول حقوق بشر در اسلام انداخته و در ادامه اصول و قواعد مرتبط با آن را در بیانات و آثار حضرت امام (ره) مورد بررسی قرار دهیم.

## ۱- سیر تاریخی و تحول حقوق بشر اسلامی

تدوین تاریخی حقوق بشر در اسلام را می‌توان با گردآوری آیات قرآن در همان نخستین سال‌های نزول، همزمان دانست و از این رو باید گفت قرآن، در مقایسه با آنچه که غرب تحت عنوان اعلامیه حقوق بشر تدوین شده می‌داند یکی از کهن‌ترین اسناد مدون حقوق بشری می‌باشد. در این میان گفته‌ها (قول)، عملکردها (فعل) و تقریرات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) گام مهم‌تری در زمینه تدوین حقوق بشر در اسلام می‌باشد. تدوین دو شاخه مهم فقه و اخلاق در علوم اسلامی که شکل جامع آن در قرون سوم و چهارم بروز نمود، موجب گردید که مباحث حقوق بشری در اسلام در کتاب‌های فقهی و اخلاقی بیشتر از گذشته مطرح و مورد تحلیل قرار گیرد.

تحولات بعدی مباحث حقوق بشری در حوزه فقه، خصوصاً فقه سیاسی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری ادامه داشت تا اینکه در عصر حاضر فقهای بزرگ همچون حضرت امام خمینی (ره) گام‌های بلندی در گشودن راه‌های جدید در بینش فقهی، سیاسی و مسائل حقوق بشری برداشتند. ایشان ضمن وارد کردن مقوله‌های عرفانی در شخصیت و ارزش انسان به قلمرو مباحث فقهی حقوق بشر، اصولاً با تکیه به دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد افق‌های جدیدی را برای صاحب‌نظران در برداشت از نصوص اسلامی متناسب با انسان معاصر باز نمودند. طبق نظر حضرت امام (ره) نظام حقوق بشر و قواعد منبعت از آن ارتباط نزدیکی با مفهوم فطرت انسان دارد. حضرت امام خاستگاه حقوق بشر واقعی را فطرت الهی انسان می‌دانند و معتقدند به اینکه عظمت و قدرت خداوند، فکر احترام و رعایت حقوق ابنای بشر را در ذهن هر انسان پدید می‌آورد و غریزه بهره‌کشی از انسان‌های دیگر را در وجود او سرکوب می‌کند و در مقابل محروم کردن انسان از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شناخته شده در حقیقت منکوب کردن یکی از خواسته‌های فطری انسان است چون که انسان فطرتاً آزاد و

قابل احترام آفریده شده است.

تحولات حقوق بشر اسلامی، از ابتدای دوران حیات سیاسی اسلام تا به امروز در حقیقت نشانگر یک انقلاب سیاسی و ارزشی در زمینه مسائل حقوق بشر می باشد و حضرت امام به عنوان یک نظریه پرداز واقعی فقه حکومتی، به عنوان مثال در باب آزادی به عنوان یکی از مسائل مورد احترام در رعایت حقوق بشر معتقدند به اینکه دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقشار و حتی اقلیت های مذهبی آزادی به طور کامل هست و هر کس می تواند اظهار عقیده خودش را بکند (خمینی ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۴۳). و یا اینکه همه اقلیت های مذهبی در اسلام محترم هستند و از همه گونه آزادی برای انجام فرایض مذهبی خود برخوردارند، ما با هیچ بشری ضدیت نداریم. آنان ایرانی اند و مثل سایر ایرانیان همه گونه حق دارند. (خمینی ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۳۵)

## ۲- جایگاه قواعد و اصول مهم حقوق بشری در اندیشه امام

برای شناخت و ارزیابی دیدگاه حضرت امام (ره) در زمینه حقوق بشر چند نکته را باید مدنظر قرار داد. ابتدا باید توجه داشت که ایشان جایگاه برجسته علمی در حیطه های مختلف علوم اسلامی اعم از فقه، اصول، فلسفه، عرفان و سیاست داشتند و در هر یک از علوم اسلامی صاحب دیدگاه محسوب می شوند. در کنار این مسئله ایشان علی رغم آن که جایگاه برجسته دینی و حوزوی داشتند به جای آن که عافیت اندیشی پیشه کرده و همانند بسیاری از هم تایان دیگر در محیط درس و بحث بمانند، با اعتقاد قوی اسلامی سال ها با ظلم و ستم مبارزه کردند و هدایت انقلاب عظیم اسلامی را به عهده گرفته و به اداره جامعه اسلامی پرداختند و در ضمن اداره جامعه نظرات خود را در ابواب مختلف حکومتی بیان داشتند که در بعد مسائل و موضع گیری های خارجی، حقوق بشر جزء اولویت ها بوده است.

در حقیقت مقوله حقوق بشر در اندیشه امام خمینی (ره) عام الشمول بوده و بر همگان اطلاق می‌شود. ایشان از یک سو اسلام را مبین و موید حقوق بشر می‌داند و از سوی دیگر، غرب و تفکر آن را مدعی دروغین و پایمال‌کننده حقوق ابناء بشر می‌خواند. در اینجا گزیده اندیشه‌های حضرت امام (ره) را درباره حقوق بشر بیان می‌کنیم:

## ۲-۱- حقوق بشر غربی وسیله غارت ملل ضعیف و پایمال‌کننده حقوق انسان

ایشان در مورد هدف غرب از تصویب اعلامیه حقوق بشر می‌فرمایند: «همه بدبختی‌هایی که ما داشتیم و داریم از این سران کشورهای است که این اعلامیه حقوق بشر را امضا کرده‌اند. اعلامیه حقوق بشر را این‌هایی امضا کرده‌اند که سلب آزادی بشر را در همه دوره‌هایی که کفیل بودند و دستشان به یک چیزی رسیده است، کرده‌اند. همین آمریکایی که اعلامیه حقوق بشر را - به اصطلاح - امضا کرده است، شما ببینید چه جنایاتی بر این بشر واقع کرده است. این‌ها می‌گویند آزادند بشر! یک چیز خیلی خوش‌نمای با زرق و برقی را می‌نویسند، سی‌ماده می‌نویسند که همه‌اش موادی است که خوب به نفع بشر است، و یکی‌اش را عمل نمی‌کنند! در مقام عمل، یکی‌اش عمل نمی‌شود. این اغفال است. افیون است این برای توده‌ها، برای مردم» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۳: ۳۳۳). «همه این حرف‌هایی که این دولت‌های بزرگ می‌زنند ... برای این است که این ملل ضعیف را ببلعند ... برای این است که این بلاد شرق را، بلاد ضعیف را، این‌ها ببلعند ... این‌ها بازی است سر ما در می‌آورند». (خمینی ۱۳۸۶، ج ۳: ۵۱۹)

## ۲-۲- حقوق بشر حربه‌ای در دست دشمنان اسلام و در خدمت ابرقدرت‌ها

حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «آن‌هایی که مدعی حقوق بشر هستند و برای

برخی کارها<sup>۲</sup> اظهار تأسف و تأثر می‌کنند، این‌ها آیا طرفدار حقوق بشرند یا طرفدار مملکت‌ها و حکومت‌های ابرقدرت‌اند؟ اگر این‌ها طرفدار حقوق بشرند چه شد که در مدت این پنجاه سال نفس نکشیدند؟ امروز نفس می‌کشند و امروز تبلیغات می‌کنند؟! مگر این‌ها که کشته شدند بشر نبودند؟ مگر این‌ها حقوق نداشتند؟ مگر حق بشر این نیست که اگر کسی را کشت قصاص بکند؟ این حق بشر است، حق اشخاصی است که از اولاد او یا از بقایای اوست که قصاص کند از این‌ها. لکن عمده این است که این جامعه‌های حقوق بشر در خدمت ابرقدرت‌ها هستند با اسم «حقوق بشر». این جامعه‌هایی که برای حقوق بشر فریاد می‌زنند می‌خواهند حقوق بشر پایمال بشود، این روزنامه‌نویسها و مطبوعاتی که به اسم بشردوستی انتشار این اکاذیب را می‌کنند، این‌ها در خدمت ابرقدرت‌ها هستند، این‌ها حقوق بشر را پایمال می‌کنند». (خمینی ۱۳۸۶، ج ۷: ۱۱۲)

## ۲-۳- حقوق بشر و اصلاح آن تنها با دین‌باوری

حضرت امام در بیان دیدگاه‌های خود در مورد حقوق بشر، اقامه این حق را تنها با دین‌باوری و معنویت میسر می‌دانند و می‌فرمایند: «تا یک نقطه اتکای معنوی نباشد، بشر اصلاح شدنی نیست. اصلاح بشر و حفظ حقوق بشر، نمی‌شود الا اینکه نقطه اتکایش یک مبدأ معنوی باشد. می‌بینیم حکومت‌هایی که سر کار می‌آیند، آن حکومتی که سر کار آمده و نقطه اتکایش خداست چه جور رفتار کرده با بشر، و آن حکومتی که نقطه اتکایش خدا نیست و کاری به این حرف‌ها ندارد چه جور معامله کرده با بشر» (خمینی (۱۳۸۶)، ج ۴: ۴۰۵).

و یا در جایی دیگر در مورد حقوق بشر واقعی و شرایط فراهم آمدن آن می‌فرمایند: «حکومتی می‌تواند ادعا بکند که حقوق بشر را حفظ می‌کند که

<sup>۲</sup> اشاره به اظهار تأسف کشورهای غربی از اعدام امیر عباس هویدا.

دولتش مبتنی بر یک عقاید الهی دینی باشد و خودش را مسئول پیش یک قدرت بزرگ بداند. آن اشخاصی که خودشان را مسئول نمی‌دانند پیش یک قدرتی و به یک قدرت بزرگی توجه ندارند، به یک قدرت عظیمی، به یک مسئولیت واقعی، این‌ها هر چه ادعا بکنند که ما بشردوست هستیم و ما می‌خواهیم حقوق بشر حفظ بشود و ما می‌خواهیم، ادعاست؛ هیچ واقعیت ندارد. تا آن نقطه اصلی که نقطه اتکاست، خدا نباشد و خوف از او نباشد و خوف از مسئولیت روز جزا نباشد، این بشر هرج و مرج می‌کند، به تباهی می‌کشد. طبع انسان این است که از همین کارهای خلاف بکند؛ طبعی است. اگر سر خود باشد متعدی است. آنی که انسان را به راه می‌آورد و کنترل می‌کند و راهش را معین می‌کند، آن دیانت است که می‌تواند کنترل کند؛ آن اعتقاد به یک مبدأ و یک معاد است که می‌تواند انسان را باز دارد از اینکه در خلوت هم که هیچ کس نباشد خلاف نکند» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۴:۴۰۳).

### ۳- بررسی مصداقی برخی اصول مهم حقوق بشر از دیدگاه حضرت امام (ره)

اصول و قواعدی که امام خمینی (ره) در باب حقوق بشر و در عرصه حقوق بین‌الملل طراحی نموده، برگرفته از مبانی دینی و اسلامی ایشان است که این مبانی دینی، نقش بسیار مهمی در اصول و قواعد حقوق بین‌الملل دارد. در حقیقت تفکرات ایشان در این برهه از تاریخ که تقریباً تمامی حکومت‌ها نگاهی مادی‌گرایانه به مسائل بشری داشتند، موجب فتح باب تازه‌ای در عرصه حقوق بین‌الملل گردید که مبتنی بر روشن نمودن بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل توسط دین و معنویت است.

در واقع امام خمینی (ره) به عنوان یک فقیه جامع‌الشرایط بسیاری از مسائلی را که در دین بود در عرصه حقوق بشری طراحی نموده و با استفاده از آموزه‌های دینی در عرصه حقوق بین‌الملل موفق گردید بیان کند. نظریاتی را که ابراز نموده،

با بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل مشابه و یکسان می‌باشد. البته اگرچه در بسیاری از مسائل، مخصوصاً در مسائل حقوق بشری، ممکن است مبادی بین نظریات امام خمینی و قواعد حقوق بین‌الملل وجود داشته باشد که در خلال تحقیق به آن پرداخته خواهد شد ولی در یک دید کلی بسیاری از دیدگاه‌های امام با قواعد حقوق بین‌الملل مشابه و یکسان می‌باشد. در این قسمت سعی بر این است که بیشتر از نقل و قول‌های مستقیم امام (ره) استفاده نموده و در موارد ممکن آن‌ها را، با قواعد حقوق بین‌الملل تطبیق نماییم.

### ۳-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر و امام خمینی (ره)

حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر تدوین شده از سوی غرب، که با چهل و هشت رأی موافق و هشت رأی ممتنع به تصویب رسید (جانسون ۱۳۷۷: ۸۷)، از منظر حضرت امام و بسیاری از اندیشمندان مورد انتقاد می‌باشد؛ چرا که حضرت امام به موارد عملی رعایت حقوق بشر توسط امضاءکنندگان این اعلامیه اشاره می‌نمایند و آن را مورد انتقاد قرار می‌دادند. از منظر ایشان بیشتر امضاءکنندگان این اعلامیه کشورهایی بوده‌اند که سلب آزادی بشر را در همه دوره‌هایی که کفیل بودند و دستشان به یک چیزی رسیده است مرتکب شده‌اند. حضرت امام (ره) در مورد عمل نمودن برخی کشورهای امضاکننده اعلامیه حقوق بشر می‌فرماید: «این انگلستان که این قدر از آن تعریف می‌کنند و از تمدنش تعریف می‌کنند و از دموکراسی بودنش تعریف می‌کنند، و این هم جز تبلیغات خود آن‌ها و شیطنت خود آن‌ها چیز دیگری نیست، ... ما دیدیم که انگلستان با هندوستان، پاکستان و دول استعماری خودش چه کارها و چه جنایت‌هایی در آنجا کرده است».

(خمینی ۱۳۸۶، ج ۳: ۳۳۴)

از نظر امام، تدوین اعلامیه حقوق بشر به دست ناقضین حقوق بشر، تنها یک اثر را به دنبال دارد و آن هم این است که سبب فریب کشورهای ضعیف می‌شود



و با توجه جلوه دادن کار خودشان سبب بلعیدن و تحت سلطه درآوردن آن‌ها می‌شوند. از نظر ایشان «اعلامیه حقوق بشر یک آلتی است برای چاپیدن مردم با وجه موجه، که یک چیزی درست بکنند در ظاهر، این‌ها همه صورت‌سازی است» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۰۲). در مورد حقوق بشر و اعلامیه آن از دید ایشان، می‌توانیم این‌چنین استنباط نماییم که اعلامیه حقوق بشر و موارد احصاء در آن بسیار موارد مطلوب و مفیدی برای حمایت از افراد می‌باشد ولی صرف تدوین آن در سی ماده و عمل نمودن به موارد احصاء شده در آن فایده‌ای برای افراد بشر نخواهد داشت و اسباب بی‌اعتمادی و تظلم را به بار می‌آورد. امام تدوین اعلامیه حقوق بشر را کافی نمی‌دانست؛ بلکه عمل به آن را بسیار باارزش‌تر از تدوین آن می‌داند؛ تدوین بدون اجرا هیچ فایده‌ای برای افراد بشر نخواهد داشت.

۴۳  
صلوات‌مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

امام بهترین نوع حکومتی که در آن حقوق بشر تجلی می‌یابد حکومت اسلامی می‌داند؛ چرا که استدلال خود را بر این مبنا قرار می‌دهد که در حکومت‌های اسلامی به واسطه دیدگاه‌های الهی - مذهبی که وجود دارد. به مردم، از هر نوعی که باشند تظلم نمی‌شود، چرا که در حکومت‌های اسلامی طبق آیات و روایات بیش‌ترین تأکید بر رعایت حقوق بشر و نفی تظلم می‌باشد، به گونه‌ای که حضرت علی(ع) در ارتباط با نفی ظلم و ستم بیان می‌دارد که «الملک یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم» که نشان از اهمیتی است که حکومت‌های اسلامی برای حقوق بشر قائل می‌باشند.

در اینجا بیان این نکته مفید است که بعد از انتقادات وارد شده از سوی بسیاری از کشورها و اندیشمندان جهان اسلام از جمله حضرت امام(ره) مبنی بر تقابل و عدم همسویی کامل اعلامیه حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸ میلادی)، با موازین حقوق بشر اسلامی، اعلامیه اسلامی حقوق بشر در سال ۱۹۹۰ در قاهره به تصویب رسید. البته این دو اعلامیه با وجود برخی تفاوت‌های آشکار دارای

مشترکات زیادی هستند که بعضاً حاکی از بازتاب مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر در اعلامیه اسلامی حقوق بشر است. در موادی از اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: ماده ۱- تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت، کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

به عنوان قرینه ماده بالا در اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز آمده: ماده ۱۱- الف) انسان آزاد متولد می‌شود. هیچ‌کس حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را به غیر خدای متعال ندارد. (مهر پور ۱۳۷۴: ۳۹۹)

بحث آزادی «مذهب» نیز مورد توجه هر دو اعلامیه جهانی و اسلامی حقوق بشر قرار گرفته است و هر یک به گونه‌ای به آن نگریسته و با عبارات و نشانه‌های خاصی آن را ثبت کرده‌اند.

نکته جالب توجه اینکه؛ در راستای روند تبیین جایگاه حقوق بشر از زمان تصویب اعلامیه جهانی تاکنون، شاهد حضور مستقیم یا غیرمستقیم نشانه‌های حقوق بشر در قوانین اساسی و عادی کشورهای اسلامی هستیم. از جمله می‌توان به قانون اساسی مراکش (۱۹۶۱م)، الجزایر (۱۹۶۳م)، امارات متحده عربی (۱۹۶۴م)، پاکستان (۱۹۶۴م) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی به مواردی نظیر «آزادی»، «تساوی در برابر قانون»، «منع شکنجه»، «آموزش و پرورش»، «زن و خانواده» اختصاص یافته است. (مهر پور ۱۳۷۴: ۱۵۵)

### ۳-۲- آزادی و جایگاه آن در اندیشه امام خمینی (ره)

شاید بتوان گفت تمام تاریخ بشر، دوران مبارزه‌اش برای آزادی است و شاید بشر در راه هیچ آرمان دیگری، این‌گونه فداکاری ننموده که در این راه تلاش

کرده است، زیرا که آزادی همواره گران‌بهارترین گوهری بوده که انسان مسحور آن و اغلب مهجور از آن مانده است. در دیدگاه امام(ره) مفهوم آزادی دارای اهمیت و جایگاه خاصی است به گونه‌ای که ایشان در گفتارها و نوشتارهای خود حدود ۳۲۰ مرتبه به این واژه اشاره نموده‌اند.

### ۳-۲-۱- مفهوم آزادی از دیدگاه امام(ره)

راجع به مفهوم آزادی تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان مطرح شده است که در مجموع از یک سو بیانگر اعمال حق حاکمیت مردمی بوده و از سوی دیگر، زمینه‌ساز مشارکت سیاسی مردم در جامعه و تاثیرگذاری آنان در حیات سیاسی جامعه است. (هاشمی ۱۳۷۴: ۱۶۹؛ جعفری لنگرودی ۱۳۶۳: ۳۱)

در فلسفه امام(ره)، آزادی به دو معنا و مفهوم به کار رفته است: الف- آزادی فلسفی یا توصیفی، و به بیان دیگر، اختیار (Free-will) و ب: آزادی حقوقی (Freedom) یا تجویزی. در مسئله آزادی فلسفی «جبر و اختیار» که از مهم‌ترین موضوعات عقیدتی اسلام است، امام نظریه «جبر» را که از طرف اشاعره ابراز شده رد می‌کند و آن را ستم به خداوند متعال و پایمال‌کننده حق آفریدگان معرفی می‌کند (خمینی ۱۳۶۲: ۷۷). امام انسان را مختار و آزاد می‌داند لکن نه مستقل از قدرت، اراده و خواست خدای متعال. در نتیجه، انسان مقهور اراده الهی نیست. امام معتقد است انسان موجودی است دارای اراده، اختیار و آزادی در تصمیم‌گیری و کنش، نه اراده الهی نه وراثت، نه طبیعت و نه محیط رشد و نمو و زیست، اراده انسان را مقهور خویش نساخته‌اند و انسان را «مجبور» نکرده‌اند.

در حالی که آزادی فلسفی به بحث از وجود اراده برای انسان مربوط می‌شود، و بحث درباره «بود و نبود» است، آزادی حقوقی به تجویز آزاد بودن انسان در تصمیم‌گیری و کنش مربوط می‌شود و بحثی درباره «بایدها و نبایدها» است. در اینجا امام آزادی را به نبود الزام و اکراه از سوی سایرین تعریف می‌کند و آن را

به مثابه شرایطی که در آن شخص مجبور نیست، مقید نیست، در امورش مداخله نمی‌شود و تحت فشار قرار نمی‌گیرد، تعریف می‌کند (منخبر ۱۳۶۷: ۸۳). امام در اینجا همچون برخی معتقد است هر چه حوزه عدم مداخله وسیع‌تر باشد، آزادی من بیشتر است و آزادی و مفهوم آن را به حوزه‌ای از عدم مداخله تعریف می‌کند. امام در پاسخ به سؤالی که از ایشان خواستار ارائه یک تعریف ساده از آزادی می‌شود، می‌فرماید:

«آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف پیچیده‌ای داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی. آزادی یک چیز واضحی است. (خمینی ۱۳۸۶، ج ۹: ۸۸). با این بیان، امام آزادی را حقی اولیه برای عموم بشریت قلمداد می‌کند و آنان را برای گرفتن این حق اولیه ترغیب می‌نماید. (حیدری ۱۳۷۸: ۳۸)

بنابراین با توجه به نکات فوق، در آزادی به شیوه اسلامی و دینی امام، هر فرد در فضای آزاد می‌تواند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان داشته و مورد نقد و بررسی قرار دهد. امام (ره) قائل هستند به اینکه همواره در فضای آزاد، بسیاری از مسائل، شفاف می‌گردد، زیرا که در فضای آزاد هر فرد حق دارد و می‌تواند موضوعات و دغدغه‌های مختلف خود را بیان داشته و در عرصه تصمیم‌گیری خصوصاً فعالیت‌های سیاسی بدون فشار حاکمیت تصمیم‌گیری نماید (منتظر قائم ۱۳۷۵: ۱۰۰)، و چنانچه دولت بخواهد غیرقانونی و با فشار به حقوق افراد، تجاوزی کند، مردم با استفاده از این حقوق (آزادی‌های مشروع) به مقاومت برمی‌خیزند. (رحیمی ۱۳۵۷: ۱۹۰)

### ۳-۲-۲- جایگاه و منزلت آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره)

از دیدگاه امام (ره) آزادی دارای جایگاه والایی بوده و به عنوان حقی اولیه، طبیعی و خدادادی مطرح است. از نظر ایشان این حکومت‌ها نیستند که به مردم آزادی اعطا می‌کنند، بلکه آفریدگار انسان، او را آزاد آفریده و به او آزادی اعطا فرموده است.

امام (ره) در رد سخن شاه سابق ایران که مدعی بود به مردم ایران آزادی اعطا کرده است برمی‌آشوبد و اعطای آزادی از سوی حکومت را به مسخره می‌گیرد و می‌فرماید: مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است، کلمه اینکه اعطا کردیم آزادی را، این جرم است. آزادی مال مردم است، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم... آزادی اعطایی که آزادی حقیقی نیست (خمینی ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۰۸). حضرت امام (ره) آزادی را عطیه‌ای الهی دانسته و برای خود خالق حق دخالت در آزادی بشر را محفوظ می‌داند. (خمینی ۱۳۸۵: ۱۰۰)

از دید امام (ره) آزادی نه قابل چشم‌پوشی و نادیده انگاشتن است و نه شایسته است مردم از آن صرف‌نظر کنند. نه چیزی است که حکومت به مردم داده باشد و نه چیزی است که حکومت مجاز باشد آن را پایمال کند. آزادی حقیقی است خدادادی که مردم باید آن را طلب و حکومت‌ها باید آن را رعایت کنند. بدین دلیل حکومت اسلامی نمی‌تواند یک حکومت استبدادی باشد در اسلام دیکتاتوری اصلاً در کار نیست، هیچ، ابداً، هیچ‌وقت نبوده و هیچ‌وقت نیست، هیچ‌وقت نخواهد بود. (خمینی ۱۳۸۶، ج ۹: ۵۳۰)

امام معتقد است اسلام حکومتی را بنیان نهاد که نه به شیوه استبدادی است که در آن نظر و تمایلات نفسانی یک نفر بر تمام جامعه حاکم است، و نه به شیوه مشروطه (لیبرال) یا جمهوری خالص که مبتنی بر قوانین بشری است که آن قوانین را گروهی از مردم بر تمام جامعه حاکم می‌کنند. بلکه حکومت اسلامی،

نظامی است که از وحی الهی الهام می‌گیرد و در تمام زمینه‌ها از قانون الهی کمک می‌گیرد و هیچ یک از زمام‌داران امور جامعه حق استبداد به رأی ندارند. به این ترتیب امام با رد حکومت استبدادی خودکامه، موافقت خود را حکومت مشروطه دینی و جمهوری اسلامی اعلام می‌دارد. حکومتی که در آن ضمن اجرای حقوق و احکام الهی، آزادی اراده شهروندان نیز به طور کامل مورد توجه قرار می‌گیرد.

از دیگر نکات جالبی که حضرت امام(ره) در حیطه ارزش آزادی، بیان نموده‌اند، پیوند دادن این مفهوم با برخی مفاهیم دیگر همچون امنیت و سعادت است. ایشان معتقدند به اینکه آزادی در چارچوب امنیت است که محقق می‌شود و منجر به سعادت جامعه می‌گردد. ایشان آزادی و امنیت را این‌گونه به هم پیوند می‌دهد: «آزادی آن است که فرد با احساس امنیت از آزادی‌اش بهره‌برداری کند و گرنه آزادی همراه با اضطراب و ترس ارزش ندارد. آزادی در حدود ضوابط است ... در حدود قواعد و قوانین آزادی هست، یعنی شما دیگر از کسی ... نمی‌ترسید ... به این معنی الحمدلله ما الآن آزادیم.»

ایشان در ادامه سعادت را که هدف و آرمان حکومت اسلامی است به آزادی پیوند می‌دهد و آن را الزامی معرفی می‌کند: «با جمهوری اسلامی سعادت، خیر و صلاح برای همه ملت است. اگر احکام اسلام پیاده بشود ... تمام اقشار ملت به حقوق حقه خودشان می‌رسند، ظلم و جور و ستم ریشه کن می‌شود. در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست. در جمهوری اسلامی آزادی است، استقلال است، همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند.» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۶: ۵۲۶)

بدین ترتیب، در اندیشه سیاسی امام، آزادی همراه با امنیت نه تنها یک اصل ارزشمند و قابل احترام است که باید پاس داشته شود، بلکه یکی از اهداف اصلی تأسیس حکومت و یکی از اصول جمهوری اسلامی است که الگوی مطلوب حکومت در نزد ایشان به شمار می‌رود.

### ۳-۲-۳- امام خمینی(ره) و مسئله آزادی غربی

دیدگاه امام خمینی(ره) در باب آزادی غربی در واقع بازتابی از روایت ایشان از واقعیت و نه مفهوم آزادی در مغرب زمین و نیز واکنشی در قبال وارداتی بودن این پدیده در سایر کشورهای ضعیف و تحت ستم است. به عقیده ایشان، آزادی به مفهوم امروزی مفهومی جدید دارد که از دوران مشروطه به این سو وارد کشور ما شده و صبغه بومی و اسلامی ندارد. آن چه امام خمینی(ره) را وامی داشت تا به نقد آزادی بپردازد، ورود برخی از نمادهای فساد انگیز آزادی به ایران و سایر کشورهایی بود که خود در ذیل مستبدترین دولت، توان نفس کشیدن نداشتند. نمادی از آزادی که نه با هویت ایرانی سازگاری داشت و نه با هنجارهای دینی مطابقت می کرد. از این رو امام با کشاندن این پدیده به حوزه بایدها و نبایدهای اخلاقی و دینی تلاش نمود تا در چهارچوب شریعت به آزادی مفهومی جدید بخشد و از معایب وارداتی آن جلوگیری نماید.

نگاه منتقدانه امام خمینی(ره) به آزادی غربی مبتنی بر دو جزء است: اولاً: آزادی در غرب (مخالف سنن انسانی) و (مخالف بااخلاق) است (خمینی ۱۳۸۶، ج ۸: ۹۸)؛ ثانیاً: اگر چیزی به نام آزادی هم وجود داشته باشد، صورتی صرف است و عینیتی ندارد، چرا که نفی آزادی در هر دو شعبه مدرنیسم (مارکسیسم و لیبرالیسم) در قالب‌های دیکتاتوری حزب کمونیست و استبداد نژادپرستانه اکثریت وجود دارد.

به گفته امام خمینی(ره): «همان‌هایی که ادعای کمونیستی و کذا می کنند خود آن‌ها از همه قلدرتر و از همه دیکتاتورترند و ملت‌هایشان را به بند کشیده‌اند. آزادی در آن ممالک نیست برای کسی؛ همان طوری که در ممالک غربی هم آزادی نیست. اگر آزادی باشد این سیاه‌های بیچاره، چه کرده‌اند که این‌طور تحت فشارند» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۳۵۱). ایشان در جایی دیگر می فرمایند: «غرب به

ما چیزی نمی‌دهد که مفید باشد، چیز مفید دارد اما به ما نمی‌دهد، صادر نمی‌کند، آنی که به ما صادر می‌کند آن چیزهایی است که مملکت‌های ما را به تباهی می‌کشند». (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۳۵۸)

### ۳-۲-۴- دیدگاه امام خمینی (ره) درباره مهم‌ترین مصادیق آزادی

در بررسی دیدگاه‌ها و آرای حضرت امام (ره) به برخی مصادیق آزادی که خود نوعی از اصول و قواعد حقوق بشر هستند، برخورد می‌کنیم که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

#### الف- آزادی فردی یا حریم خصوصی (فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام):

برای بررسی این نوع آزادی باید با سه اصطلاح (حریم عمومی، امنیت فردی، حریم خصوصی) آشنا شویم. حریم عمومی که به حوزه عموم مربوط بوده و با قرارداد اجتماعی به وجود می‌آید، با گذر از حریم خصوصی پدیدار گشته و موجب تفکیک از حوزه حریم خصوصی شده است (هابرماس ۱۳۸۴: ۲۹). این حوزه منطقه اقتدار دولت بوده و ملک مشاع همه شهروندان است و در آن امری مخفی و غیرقابل دسترس برای صاحبان آن نیست و تدبیر و سامان و تصمیم‌گیری در مورد آن نیز حق همه‌ی شهروندان است. (کلدیور ۱۳۸۷: ۵۳)

امنیت فردی: منظور از امنیت فردی یا امنیت شخصی این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر مجازات‌های غیرقانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک، بهره‌کشی، بردگی، فحشا و غیره مصون و در امان باشد. (طباطبایی موتمنی ۱۳۸۸: ۴۲)

حریم خصوصی: مفهوم حریم خصوصی ریشه فلسفی، حقوقی، سیاسی، انسانی شناختی و جامعه‌شناختی دارد. در ارتباط با حریم خصوصی دو برداشت



کلی وجود دارد. یکی برداشت توصیفی که حریم خصوصی را توصیف می‌کند و دیگری برداشت دستوری که از ارزش حریم خصوصی سخن می‌گوید. در هر یک از برداشت‌ها، بعضی حریم خصوصی را نفع و بعضی دیگر حق اخلاقی یا قانونی تلقی می‌کنند (انصاری ۱۳۸۶: ۱۳). مفهوم این حریم از سه عنصر مستقل و مرتبط تشکیل شده که عبارت‌اند از: محرمانگی، ناشناخته ماندن، تنهایی و خلوت (انصاری ۱۳۸۶: ۱۴). نکته مهم دخیل دانستن مفهوم خلوت و تنهایی در حوزه حریم خصوصی است. یعنی حریم خصوصی به منزله‌ی خلوت و تنهایی افراد مورد نظر است (ادیانی ۱۳۸۸: ۵). حریم خصوصی آن چیزی است که انسان می‌خواهد مخفی و غیرقابل دسترسی دیگران بماند و تصمیم‌گیری درباره‌ی آن مستقلاً به عهده‌ی خودش باشد (کدیور ۱۳۸۷: ۵۲). در واقع حریم خصوصی، حوزه زندگی هر فرد است که او یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون انتظار دارد که دیگران بدون رضایت او به آن قلمرو وارد نشوند یا نگاه و نظارت نکنند و به اطلاعات درباره آن دسترسی نداشته باشند و به آن تعرض نکنند. در این معنی جسم، البسه، اشیا، تلفن همراه، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران جزء این قلمروهاست.

با توجه به مقدمه فوق بررسی حقوق و آزادی فردی و خصوصی از دیدگاه امام دارای اهمیت فراوانی است. از دید ایشان آزادی‌های شخصی و حریم فردی شامل کلیه حقوقی است که حوزه خصوصی زندگی افراد را از حوزه عمومی تفکیک می‌کند و آن را از تعرض دولت مصون نگه می‌دارد (رنجبر ۱۳۸۲: ۱۷۰). از دید حضرت امام(ره) شهروندان در حیطه زندگی خصوصی که از جانب قانون معین می‌گردد و از حیطه‌ی زندگی عمومی و مدنی مجزا می‌شود، آزاد هستند و کسی نمی‌تواند به حریم خصوصی آن‌ها وارد شود.

در یک جمع‌بندی کامل از نگاه امام خمینی(ره) حریم خصوصی زندگی افراد دربرگیرنده این حوزه‌هاست: الف: حوزه اعتقادات (آزادی عقاید)؛ «در حکومت

اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده ای هستند و لکن آزادی خرابکاری را ندارند» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۳۶). ب: حوزه آزادی بیان و قلم: «در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود، و لکن هیچ فرد و یا گروه وابسته به قدرت‌های خارجی را اجازه خیانت نمی‌دهیم» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۴۰). ج: آزادی در محل سکونت و کار؛ «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۱۴۱). د: حوزه مباحات، مستحبات و مکروهات. حضرت امام دامنه واجبات و محرمات را از سایر احکام جدا نموده است. به عنوان مثال دامنه موضوع امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک تکلیف الهی صرفاً حوزه محرمات و واجبات می‌دانند و در قسمتی از فرمان هشت ماده‌ای خود مؤکداً تذکر می‌دهند که در صورت ورود اشتباهی به منزل فردی و مواجهه با آلات قمار یا لهو و لعب حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا (به عنوان یک منکر) از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدی از حدود الهی ظلم است. (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۱۴۲)

با توجه به این مطالب مهم‌ترین موضع‌گیری امام خمینی (ره) درباره لزوم حفظ حریم خصوصی افراد، فرمان مشهور به هشت ماده‌ای ایشان است که در ۱۳۶۱/۹/۲۴ خطاب به مسئولان اجرایی و قضایی کشور صادر گردید، اینکه امام خمینی چنین موضوعی را نه در قالب سخنرانی و توصیه بلکه در قالب فرمان لازم‌الاجرا صادر فرمودند نشان‌دهنده اهمیت و توجه بسیار ایشان به لزوم رعایت حریم خصوصی افراد است. فرمان تاریخی امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب در شرایطی صادر شد که عده‌ای به نام دین و اسلام به محل کار و منازل

مردم هجوم می‌بردند و آن‌ها را مورد هتک و توهین و آزار قرار می‌دادند که امام به شدت با آن‌ها مخالف کردند. از دید امام خمینی (ره) این‌گونه برخورد با افراد، خارج از ضوابط شرعی است و موجب فساد می‌شود و همان‌طور که در فرمان هشت ماده‌ای اعلام می‌کنند علاوه بر اینکه افراد را از توسل به چنین اقدامی به هر انگیزه‌ای باز می‌دارند دولت را هم موظف به جلوگیری از این اقدام‌ها و مجازات متخلفین می‌کنند. امام خمینی (ره) با صدور فرمان هشت ماده‌ای، اولاً افراد را از توسل به اقدامات خودسرانه بازمی‌دارند و ثانیاً دولت و قوه قضاییه را مسئول جلوگیری از این‌گونه کارها می‌دانند. مبنای مخالفت امام (ره) با اقداماتی از این دست آن است که ایشان آن‌ها را از مصادیق ظلم می‌دانند و از آنجا که از دید امام بزرگ‌ترین هدف اسلامی و انقلاب اسلامی برقراری عدالت است به شدت با آن‌ها مخالفت و تأکید می‌کنند که حتی به نام دین هم این اقدام‌ها قابل توجیه نیست. (رنجبر ۱۳۸۲: ۱۷۳)

۵۳  
صلوات‌مطالعات  
حقوق شرعی اسلامی

دیدگاه‌های حقوق بشری در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره)

احمد قدوی بنده قرآنی و همکار

محتوای این فرمان هشت ماده‌ای به پنج حوزه تقسیم می‌شود: اول- تأکید بر تهیه قوانین شرعی، تصویب و ابلاغ آن‌ها (بند فرمان ۱). دوم- بررسی صلاحیت قضات، دادستان‌ها، کارمندان و متصدیان امور به عنوان کارگزاران نظام اسلامی، با تأکید بر این که میزان حال فعلی اشخاص است (بند ۲). سوم- تأکید بر استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاوت و داوری به گونه‌ای که (ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است (بند ۳). چهارم- تعیین حوزه دخالت کارگزاران و دولت اسلامی در زندگی خصوصی افراد (بندهای ۴ تا ۷). پنجم- تعیین رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر جهت جلوگیری از تخلفات و تشکیل ستادهای استانی در این راستا (بند ۸) (مهریزی ۱۳۷۸: ۵۶). با توجه به این حوزه مهم‌ترین نکاتی که در فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی قابل تشخیص است، عبارت‌اند از:

۱) لزوم اسلامی نمودن احکام قضایی و تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ سریع تر آن‌ها. ۲) بررسی صلاحیت قضات، دادستان‌ها و دادگاه‌ها و درحالی‌که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و موثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند، «میزان حال فعلی اشخاص است». ۳) تاکید بر استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاوت و داوری به گونه‌ای که ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. ۴) احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که بر اساس موازین شرعی است جایز نمی‌باشد و تخلف از آن موجب تعزیر است. ۵) تصرف در اموال منقول و غیرمنقول بدون حکم حاکم شرعی (که بر اساس موازین صادر شده باشد) جایز نیست. ۶) ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب‌خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه ممنوع است. ۷) شنود تلفن، گوش دادن به نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست. ۸) تجسس از گناهان غیر و دنبال اسرار مردم بودن جایز نمی‌باشد. ۹) فاش ساختن اسرار مردم جرم و گناه است. ۱۰) تجسس در صورتی جایز است که برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروهک‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها را دارند و تنها به شرط مطمئن بودن جایز است. ۱۱) در صورت جواز تجسس باید ضوابط شرعی رعایت گردد و یا دستور دادستان باشد چرا که تعدی از حدود شرعی نسبت به آنان نیز ناروا است. ۱۲) اگر مأموران قضایی از روی خطا و اشتباه وارد منزل شخصی یا محل کار خصوصی شدند و با آلات لهو و قمار و فحشا و مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان نماید و از ضوابط شرعی تعدی کند و حق جلب آنان را نیز نداشته و تنها باید نهی از منکر کنند. ۱۳) کسانی که شغل آنان گردآوری و توزیع مواد مخدر است، مصداق مفسد

فی الارض قرار می گیرند و علاوه بر ضبط مواد مخدر باید آنان را به مقامات قضایی معرفی کرد. (۱۴) قضات حق ندارند حکمی صادر کنند که مأموران اجازه ورود به منازل یا محل کار افراد را داشته باشند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه علیه نظام (مهریزی ۱۳۷۸: ۶۷). (۱۵) مسئولین قضایی و اجرایی موظف به جلوگیری از امور ذکر شده هستند. (۱۶) قابل قبول و قابل تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق اسلامی از اشخاص صادر شود. (۱۷) مردم باید احساس آرامش و امنیت کنند و قوه قضاییه و دولت را پشتیبان خود بدانند. ( صارمی ۱۳۸۵: ۲۰۵)

امام خمینی (ره) پس از صدور فرمان نیز به طور جد پیگیر اجرای آن بودند و در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۴ هیئتی شش نفره را جهت پیگیری فرمان هشت ماده‌ای تشکیل داده و در سخنرانی هایشان به لزوم اجرای فرمان تاکید می‌کنند: «همان طور که من عرض کردم به آقایان، رفتن و جاسوسی کردن و تجسس کردن ... این کارها نباید بشود. از آن رو هم ... اگر متجاهر شد به یک فسقی، متجاهر شد به اینکه یک چیزی که خلاف شرع است، مامورند همه مردم برای اینکه، نهی از منکر کنند، ... ما نگفتیم که احکام اسلام که جاری می‌شود، یک تکه‌اش جاری بشود. همین جاری بشود که جاسوسی نشود و نمی‌دانم - تفتیش نشود؟ ... نباید ما تعدی بکنیم و ظلم بکنیم و تفتیش از داخل خانه‌های مردم بکنیم. ... از آن ور هم اگر سوء استفاده بخواهند بکنند، ... اگر کسی فسق بکند در خارج، متجاهر بشود، هر نحو فسقی باشد، به شدت باید دولت با او عمل کند» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۱۶۳). در دیداری که اعضای ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای با امام داشته‌اند، ایشان در آن دیدار سخنانی در تاکید بر مفاد پیام بیان می‌کنند: «من باید به آقایان عرض کنم که شما در این کاری که دارید انجام می‌دهید که رسیدگی به امر متخلفین است، ... یک امری است که الزام شرعی الآن دارد و با کمال جدیت و قاطعیت این باید عمل بشود. ... از حالا به بعد سکوت اصلا معنی ندارد. ... ما

باید این بار ظلم را که الآن در سرتاسر کشور گاهی می‌شود به اشخاص، این بار را دیگر باید سبک کنیم و از بین ببریم» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۱۹۶). امام خمینی (ره) نسبت به هتک حرمت مسلمانان به شدت حساس بودند و در بند هفتم فرمان هشت ماده‌ای با به کار بردن عبارت «مؤکداً تذکر داده می‌شود»، میزان حساسیت و تاکید خود را بر لزوم حفظ حریم خصوصی افراد این‌گونه بیان می‌کنند: «مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چراکه اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. ... همچنین هیچ کس از قضات حق ندارند، ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله ی آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل های کار افراد وارد شوند، که نه خانه امن تیمی است و نه محل توطئه های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۱۴۲)

### ب- آزادی فکر و اندیشه

اولین و مهم‌ترین نوع آزادی از دیدگاه حضرت امام (ره)، آزادی فکر و اندیشه می‌باشد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به آن توجه شده است. از آنجایی که تفکر و تعقل، در اندیشه‌های اسلامی بسیار مورد توجه و سفارش واقع شده،

امام این نوع آزادی را برتر از سایر آزادی‌های دیگر می‌دانند. حضرت امام یکی از ویژگی‌های انسان کامل را تکیه بر برهان و استدلال و اجتناب از تحمیل عقاید می‌دانند و اصولاً معتقدند که تحمیل عقاید امری غیرممکن است. ایشان در همین جهت و در بحث مطبوعات و رسانه‌های گروهی که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به آن پرداخته شده، بر لزوم آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی تاکید نمودند. (رنجبر ۱۳۸۲: ۱۵۸)

### ج- آزادی احزاب

نوع دیگر از آزادی که امام بر آن صحنه گذارده بحث آزادی احزاب سیاسی می‌باشد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم در ماده ۲۰ به آن اشاره شده است. ایشان به جهت اینکه به دموکراسی از نوع اسلامی آن بسیار اهمیت می‌دادند و از آنجا که یکی از اصول اولیه حکومت‌های دموکراتیک را، وجود احزاب مختلف با دیدگاه‌های گوناگون می‌دانستند، پس این نوع از آزادی را برای جامعه بسیار ضروری می‌دانستند. از دید ایشان دموکراسی بدون وجود احزاب سیاسی معنای نداشته و وجود یک حزب و آن هم اگر متعلق به جناح موافق باشد در واقع به معنای نبود آزادی و رواج اندیشه‌های دیکتاتوری در جوامع است. از این رو ایشان همواره تأکیدات خاصی در این زمینه داشتند و در جایی نیز فرموده‌اند: «در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران تمامی احزاب می‌توانند آزادانه اظهارنظر کنند و همه احزاب در ایران آزاد خواهند بود مگر آنکه مخالف با مصالح ملت باشد؛ در آن صورت از فعالیت آن‌ها جلوگیری می‌شود.» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۵: ۵۴۱) و یا «احزاب آزادند که با ما یا با هر چیزی مخالفت کنند، به شرط اینکه مضر به حال مملکت نباشد.» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۸۳)

از تبیین دیدگاه امام(ره) در باره احزاب و تشکلهای سه نکته اساسی برداشت

می‌شود:

الف- از نظر امام، آزادی تشکیل اجتماعات و مشارکت در صحنه‌های سیاسی اجتماعی، از اهداف اساسی انقلاب است.

ب- از نظر امام، جمهوری اسلامی، آزادی فعالیت سیاسی اجتماعی را به گروه‌ها و احزاب داده است. پس دادن اجازه فعالیت و مشارکت در امور به گروه‌ها و احزاب موجب شده که انقلاب به تمام معنا آزادی‌بخش گردد.

ج- مانع اصلی آزادی برخی احزاب و گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی از دیدگاه امام، اقدام به توطئه و طرح‌های براندازی و انجام اقداماتی بر خلاف مصالح مردم است. امام معتقد است که باید به احزاب و گروه‌ها اجازه فعالیت داده شود، مشروط به اینکه به توطئه و انجام فعالیت‌های مضر به مردم دست نزنند.

#### د- آزادی انتخابات

آزادی و رقابت در انتخابات، بهترین ابزاری است که مقامات دولت‌ها را مجبور به پاسخ‌گویی نموده، فرصت تصمیم‌گیری را برای انتخاب‌کنندگان تأمین می‌نماید. انتخاب مرتب و دقیق مقامات دولتی در انتخاباتی آزاد و رقابت‌آمیز ابزار اولیه کنترل و نظارت مردم در سیستم‌های دموکراتیک است و در عین حال برگزاری انتخابات نشانگر این است که قدرت سیاسی همواره از مردم نشأت می‌گیرد و برای آن‌ها نیز حفظ می‌شود. (بیت‌نام دیوید: ۵۸)

آزادی انتخابات که در بند ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به آن پرداخته شده است. از دید حضرت امام (ره) امری است متعلق به مردم، زیرا یکی از معیارهای یک حکومت دموکراتیک بحث انتخابات می‌باشد. البته در هر انتخاباتی باید اصولی مراعات گردد تا به معنای واقعی کلمه انتخابات جلوه‌گر نماید. یکی از آن اصول بسیار مهم از نظر امام، بحث آزادی انتخابات است، به گونه‌ای که ایشان بر آزادی انتخابات و مشارکت فعالانه مردم در آن، اصرار زیادی دارند. (رنجبر مقصود: ۱۶۴)



در جایی دیگر بیان می‌دارند که: اگر انتخابات به صورت فرمایشی برگزار گردد تنها نتیجه‌ای که در بر دارد سلب اعتماد مردم نسبت به حکومت است و حالت بی‌اعتمادی در قشر نخبگان جوامع ایجاد می‌گردد. ایشان همچنین می‌فرمایند: «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آن‌ها تبعیت می‌کنیم... اساس این است که، مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است.» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۳۶)

امام در بحث دیگری که به مفهوم دموکراسی اشاره نموده می‌فرمایند: «دموکراسی این است که آراء اکثریت، و آن هم این‌طور اکثریت، معتبر است، اکثریت هر چه گفتند آرای ایشان معتبر است» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۹: ۳۰۵). «معنا ندارد که یک اقلیتی بخواهد تحمیل کند به یک اکثریتی، این خلاف دموکراسی است که شما به او عقیده دارید، و خلاف آزادی است. خلاف همه انسانیت است که بخواهند یک عده معدودی - که اقلیت هستند - تحمیل کنند بر یک عده [بیشتر]» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۳۲۳). ایشان در مجموع در بحث انتخابات قائل هستند به اینکه شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید و به صراحت بیان می‌کنند که: «اینجا آراء ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد. این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است. و تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست و امکان ندارد.» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۱۶۶)

به طور کلی براساس نظریات حضرت امام(ره)، می‌توان دیدگاه ایشان را درباره انتخابات و حق رأی مردم با سه نکته اساسی تبیین نمود:

- الف- همگانی بودن حق رأی. از دیدگاه امام(ره)، حق رأی از آن همه مردم بوده و هیچ فرد، گروه و صنف خاصی بر دیگران ترجیح و برتری ندارد.
- ب- برخورداری مردم از آزادی کامل در رأی دادن و انتخاب نمودن. از

دیدگاه امام(ره)، هیچ‌گونه فشار و اجباری در رأی دادن و رأی گرفتن جایز نیست و باید آزادانه صورت گیرد.

ج- ضرورت رأی دادن و انتخاب بر اساس بینش صحیح. هر چند که امام به آزادی کامل در رأی دادن باور دارد و ضرورت وجود آزادی مردم را در رأی دادن تاکید می‌کند، اما از سویی دیگر، معتقد است که رأی دادن به عنوان یک تکلیف و وظیفه باید براساس بینش صحیح و توأم با شناخت کامل صورت پذیرد.

### ۳-۳- حق حیات و امنیت و جایگاه آن‌ها در اندیشه امام خمینی(ره)

از دیدگاه اسلام، انسان به جهت ارزش ذاتی که دارد، دارای کرامت ذاتی و شایسته کسب فضایل می‌باشد. به همین جهت لازمه کرامت، داشتن حق حیات و امنیت شخصی است، چرا که این فضایل تنها در صحنه زندگی اجتماعی بروز و ظهور می‌کند و عمل نیک و اخلاق کریمه‌ای برای انسان فضیلت شمرده می‌شود که در شرایط آزاد از او ظهور و بروز پیدا کند و این حقوق یعنی حق حیات و امنیت شخصی که در ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است. اساس همه حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی متعاقب آن از جمله رهایی از بردگی، شکنجه و بازداشت خودسرانه و نیز حقوق مربوط به محاکمه منصفانه، آزادی بیان و آزادی مسافرت(هجرت) و عدم مداخله در زندگی خصوصی و اصل برائت، یعنی بی‌گناه محسوب شدن افراد تا اثبات جرم، حق ازدواج و تشکیل خانواده و آزادی عقیده و نظایر آن‌هاست که در مواد ۳ تا ۲۱ اعلامیه حقوق بشر مندرج است. همه این حقوق مبتنی بر اصل کرامت انسان است. انسان از آنجایی که از کرامت ذاتی برخوردار است، نمی‌تواند امنیت او را سلب کرد و از حقوق فردی و اجتماعی‌اش محروم کرد، مگر آن که در دادگاه صالحه‌ای مجرم شناخته شود. انسان چون کرامت دارد کشتن او به منزله نابودی

همه انسان‌ها است و حیات انسانی و الهی بخشیدن به او همسنگ احیای همه انسان‌هاست (مائده: ۳۲). از نگاه حکمت الهی نه تنها کسی حق کشتن دیگری را ندارد بلکه هیچ‌کس حق ندارد خودش را نیز بکشد و حق ندارد فرزندان خودش را چه دختر و چه پسر به جهت فقر یا عصبیت‌های جاهلانه به قتل برساند و موهبت الهی حیات را از خود یا دیگران بستاند (انعام: ۱۵۱ و اسرا: ۳۳). اسلام در راستای دفاع از حقوق بشر و به خاطر دفاع از حق حیات و سلامت و امنیت افراد جامعه انسانی قصاص را مقرر کرده است. چنان که قرآن می‌فرماید: قصاص برای حفظ حیات جامعه انسانی است. (بقره: ۱۷۹)

برای تحقق امنیت، وجود عوامل ذیل ضروری است:

الف: اجرا و تعمیم عدالت و قانون به طور یکسان و نفی هرگونه تبعیض در جامعه.

ب: مبارزه مداوم با عوامل تجاوزگر و زمینه‌های تعرض احتمالی.

ج: آشنایی عامه مردم با حقوق افراد و گاهی لازم در جهت احترام به حقوق دیگران.

د: داشتن ضمانت اجرای نیرومند معنوی؛ (ایمان و اخلاق).

ه: ضمانت اجرای قانونی برای کیفر دادن متجاوزین به حقوق و آزادی‌های مردم. (عمید زنجانی ۱۳۶۸: ۵۴۹)

حضرت امام(ره) در همین این راستا می‌فرماید: «این (قصاص) برای حقوق بشر است ... این بشر سلامت یک انسان را سلب کرده و حق این است که سلامت او را سلب کنند. این بشر یکی را کشته حق ورثه است که او را بکشند، ورثه را پیدا نکنیم حق حاکم است که او را بکشد». (خمینی ۱۳۸۶، ج ۷: ۳۰۹)

البته باید در نظر داشت که مجرم در عین حال از کرامت انسانی برخوردار است و لذا به مجرم نمی‌توان توهین کرد و از حق آب و غذا محروم کرد. چنان که حضرت امام(ره) می‌فرمایند: «من اعلامیه داده‌ام که حبسی (زندانی)، در

حکومت اسلامی - ولو هر چه مجرم باشد - حق ندارند به اینکه گرسنگی بدهند؛ حق ندارند یک سیلی به او بزنند؛ حق ندارند به اینکه او را شکنجه بکنند؛ حق ندارند که یک کلمه درشت به او بگویند. هر طور جرمی که دارد به آن جرم (مجازات) بکنند بیشتر از این نه». (خمینی ۱۳۸۶، ج ۷: ۳۱۲)

### ۳-۴- حقوق اقلیت‌ها و جایگاه آن در اندیشه امام خمینی (ره)

اصطلاح اقلیت که غالباً با ویژگی‌هایی چون زبانی، قومی، دینی و مذهبی همراه است در برگیرنده آن دسته از گروه‌های انسانی است که در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سر می‌برند (پی‌یر ۱۳۷۴: ۵). شاید بتوان گفت اقلیت‌ها بیشتر با این صفت شناخته می‌شوند که در میان طبقات اجتماعی، در مقابل اکثریت از حیث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منزلت و جایگاه فرودستی دارند و دستیابی آنان به پاره‌ای از مناصب و منزلت‌ها در یک جامعه خاص امکان‌پذیر نیست و یا این که بسیار مشکل خواهد بود.

راجع به جایگاه اقلیت‌ها در اندیشه امام (ره) باید گفت که ایشان حقوق و آزادی‌های را مانند آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر است، برای اقلیت‌ها قائل گردیده است. امام (ره) اقلیت‌های مذهبی را در ایران، برای اجرای احکام و آداب دینی و اجتماعی خودشان آزاد می‌داند و حکومت اسلامی هم، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم شناخته می‌گردند (خمینی ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۴۲). ایشان بیان می‌دارند که در اسلام جدایی وجود ندارد. فی‌الواقع در اندیشه امام خمینی (ره) اقلیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی همانند سایر افراد از حقوق برابر و احترام کامل برخوردارند: آن‌ها با سایر افراد در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می‌شود و در حکومت اسلامی آن‌ها در رفاه، آسایش و آزادی هستند

(خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۲۹۱). (اصل عدم جدایی افراد از یکدیگر) و (اصل عدم تبعیض) از اصول شناخته شده حقوق بشری برای اقلیت‌ها هستند که امام هم بر آن تاکید نموده است و آن را بیان داشته است.

در مجموع براساس نظریات حضرت امام (ره)، می‌توان دیدگاه ایشان را درباره اقلیت‌ها و حقوق آنان در چهار نکته اساسی تبیین نمود:

الف- از نظر امام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی، آزادی انجام فرایض مذهبی را دارا هستند و می‌توانند به طور آزادانه به اعمال مذهبی خود پردازند. امام در آستانه پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در پاسخ به سؤالی در این باره می‌فرماید: «تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه خود آزادانه عمل نمایند. اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت‌های مذهبی بوده و هست. آنان در جمهوری اسلامی آزادند و آزادانه به مسائل خود (فرایض مذهب) می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزادند». (خمینی ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۸۹)

ب- از دیدگاه امام، وظیفه حکومت اسلامی حمایت از حقوق اقلیت‌های مذهبی است. حکومت اسلامی باید از حقوق آنان هم چون سایر شهروندان دفاع کند. امام در پاسخ به سؤالی درباره روابط میان اقلیت‌ها می‌فرماید: «اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند؛ بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند.» و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: «حکومت اسلامی، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند». (خمینی ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۴۳)

ج- از نظر امام، برخورداری از حقوق اجتماعی در جامعه براساس تابعیت کشور است و تمام شهروندان ایرانی از حقوق اجتماعی برخوردارند و در این زمینه، اقلیت‌های مذهبی نیز هم چون مسلمانان، از این حقوق برخوردارند. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی بر اساس مذهب، در جامعه توزیع نمی‌شود: «هر

ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرق ندارد.» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۰۹) و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: «اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی، آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره‌مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می‌کنیم.» (خمینی ۱۳۷۰، ج ۴: ۳۶۵)

د- از نظر امام(ره)، اقلیت‌های مذهبی می‌توانند آزادانه به مسائل خود پردازند و حق اظهار عقیده خود را نیز دارند: «اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت‌های مذهبی بوده و هست. آنان در جمهوری اسلامی آزادند و آزادانه به مسائل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد، در اظهار عقیده آزادند». البته در لسان امام(ره)، اقلیت‌های مذهبی آزادی اظهار عقیده خود را دارند، نه آزادی خرابکاری. امام در پاسخ به سؤالی درباره آزادی بیان عقیده برای اقلیت‌ها، می‌فرماید: «در حکومت اسلامی، همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند ولیکن آزادی خرابکاری را ندارند» (خمینی ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۳۶). بنابراین در این جا نیز امام، دغدغه حفظ نظام اسلامی را داشته و حفظ نظام اسلامی را بر همه مسائل مقدم می‌دارد. از نظر امام، حفظ نظام از مهم‌ترین واجباتی است که بر سایر امور مقدم بوده و امور دیگر از جمله آزادی، در راستای حفظ نظام مفهوم پیدا می‌کنند.

## نتیجه‌گیری

اصول و قواعدی که حضرت امام خمینی(ره) به عنوان یک فقیه روشن‌فکر و آگاه به امور زمان در ارتباط با مسائل حقوق بشری ترسیم نموده‌اند، هر چند در بسیاری از موارد منطبق با واقعیات قواعد حقوق بشری امروز جامعه بین‌المللی می‌باشد، لکن بر خلاف نگاهی است که کشورهای غربی به مقوله حقوق بشر

دارند. از دید ایشان حقوق بشر مورد بحث در غرب و حتی مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر وسیله و ابزاری است در دست مدعیان دروغین و پایمال‌کنندگان واقعی حقوق بشر.

ایشان در دکترین حقوق بشری خود، که برگرفته از مبانی دینی و اسلامی است، جایگاه بسیار بالایی برای نوع بشر در نظر گرفته‌اند و هرگونه عاملی که سبب خدشه به این جایگاه گردد را مورد نکوهش قرار داده و بارها در بیانات خود حقوق بشر غرب و مدعیان آن را با عباراتی همچون "پایمال‌کنندگان واقعی حقوق بشر"، "حقوق بشر مورد ادعای غرب وسیله غارت ملل ضعیف"، "تعدی به بشریت توسط مدعیان حقوق بشر"، "حقوق بشر غرب در خدمت ابرقدرت‌ها" و غیره ... مورد حمله و انتقاد قرار داده است. در مقابل ایشان احترام به قواعد اصیل و الهی حقوق بشری همچون آزادی و دموکراسی، حمایت از اقلیت‌ها و دیگر مسائل مرتبط با این حوزه را ارج نهاده و دولت‌ها را موظف به پاسداری از آزادی‌های مشروع مردم در چارچوب قوانین الهی می‌دانند. در مجموع یافته‌ها و نتایجی که از میان دیدگاه‌های حضرت امام(ره) در مورد حقوق بشر قابل برداشت است، عبارت‌اند از:

۱. اسلام به عنوان کامل‌ترین ادیان الهی، معتقد است به اینکه بشریت و حقوق آن تنها با اتکاء به یک نقطه معنوی، اصلاح شدنی است و حضرت امام(ره) در این مورد می‌فرمایند: «می‌بینیم آن حکومتی که سر کار آمده و نقطه اتکایش خداست چه جور رفتار کرده با بشر، و آن حکومتی که نقطه اتکایش خدا نیست و کاری به این حرف‌ها ندارد چه جور معامله کرده با بشریت».

۲. آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر برجسته شده، حقوق انسان‌ها بر یکدیگر و به رسمیت شناخته شدن این حقوق از سوی همه ملت‌ها و اقوام و حکومت‌ها است و این نکته‌ای است که حضرت امام(ره) نیز به آن با محوریت قواعد الهی و توحیدی توجه داشته‌اند.

۳. در بررسی بیانات و تفکرات امام(ره) که برگرفته از مبانی اسلام است می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام و اعلامیه حقوق بشر هر دو بر کرامت ذاتی انسان تاکید داشته و بر لوازمی که بر این کرامت بار می‌شود اجمالاً همسو هستند. از جمله حق تأمین امنیت و آزادی‌ها مشروعی همچون؛ آزادی‌های سیاسی و مدنی، آزادی فکر و اندیشه، آزادی احزاب، حق حیات، آزادی انتخابات و حق رأی و ... .

۴. به عقیده امام خمینی(ره) آزادی حق اولیه بشر است که در همان آغاز خلقت به او اعطا شده است. آزادی که همواره امام از آن به نعمت بزرگ الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی یاد می‌کند امتیاز به حساب نمی‌آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیاناً پس بگیرد. آزادی حقی است همانند حق حیات که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت از آن برخوردار است و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است.

۵. از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) حریم خصوصی شهروندان در دولت اسلامی مصون است، نه شهروندان و نه دولت‌مردان حق ورود به آن را ندارند و تنها دو مورد را می‌توان به عنوان استثنا آن هم برای کارگزاران حکومتی برشمرد: در تراحم حریم خصوصی با حقوق دیگران و دیگری تراحم حریم خصوصی با مصالح عمومی، می‌تواند وارد حوزه خصوصی افراد بشود و تصرف‌ها و دخالت‌هایی انجام بدهد؛ اما خارج از این مورد ما اساساً چنین حقی یعنی مداخله در زندگی خصوصی افراد نداریم.

۶. از نظر امام، آزادی تشکیل احزاب و اجتماعات و استفاده از رأی و نظر مردم در انتخابات، از اهداف اساسی انقلاب می‌باشد، لکن مهم‌ترین مانع فعالیت در این راستا نیز، مشارکت در طرح براندازی و توطئه علیه نظام است.

۷. از نظر امام، اقلیت‌ها در حکومت اسلامی، از آزادی کامل در انجام فرایض خود برخوردار بوده و وظیفه حکومت اسلامی حمایت از آنها است البته در



چارچوب قوانین و مقررات نظام. از این رو، حفظ نظام در این جا نیز از نظر امام، مهم‌ترین معیار رعایت و احترام به اصل آزادی فعالیت‌های این گروه است.



## منابع

۱. آربلاستر، آنتونی ۱۳۶۷. "ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب". ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
۲. اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد، ۱۳۷۹. "حقوق بشر در جهان امروز". ترجمه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. انصاری، باقر، ۱۳۸۶. "حقوق حریم خصوصی". تهران: انتشارات سمت.
۴. بیت‌هام، دیوید و کویل، بویل، ۱۳۷۶. "دموکراسی چیست؟" ترجمه بهرام نقش تبریزی. تهران: نشر ققنوس.
۵. بی‌نا، ۱۳۷۷. "جایگاه آزادی در نظام سیاسی". مجله علمی پژوهشی معرفت، شماره ۲۶ (میزگرد). قم.
۶. بی‌نا، ۱۳۶۳. "جستجوی راه امام از کلام امام خمینی، دفتر هفدهم و بیستم آزادی و اقلیت‌های مذهبی". تهران: امیرکبیر.
۷. پی‌یر، ژرژ، ۱۳۷۴. "ژئوپلیتیک اقلیت‌ها". ترجمه سیروس سهامی. تهران: انتشارات واقفی.
۸. جانسون، گلن، ۱۳۷۷. "اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن". ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: نشر نی.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۴. "ترمینولوژی حقوق". تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۰. حیدری، حمید، ۱۳۷۸. "آزادی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره)". فصلنامه پژوهشی متین، شماره ۲.
۱۱. خمینی، سید روح‌الله الموسوی، ۱۳۸۶. "صحیفه امام". تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.

۱۲. \_\_\_\_\_ ۱۳۸۵. "رسائل". قم: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۳. \_\_\_\_\_ ۱۳۶۲. "طلب و اراده". ترجمه احمد فهری. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. رحیمی، مصطفی، ۱۳۵۷. "قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی". تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. رنجبر، مقصود، ۱۳۸۲. "حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی(ره)". تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. صارمی، سیف‌الله، ۱۳۸۵. "حقوق مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی". تهران: چاپ و نشر عروج.
۱۷. طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۸۸. "آزادی‌های عمومی و حقوق بشر". تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۸. "فقه سیاسی". تهران: امیرکبیر.
۱۹. فکری، محمد، ۱۳۹۰. "حریم خصوصی شهروندان در اندیشه امام خمینی(ره) با تاکید بر فرمان هشت ماده‌ای". فصلنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۵۲، تهران.
۲۰. کدیور، محسن، ۱۳۸۷. "حق الناس؛ اسلام و حقوق بشر". تهران: انتشارات کویر.
۲۱. مدرس، علی‌اصغر، ۱۳۷۵. "حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر". تبریز: نوبل.
۲۲. منتظر قائم، مهدی، ۱۳۷۵. "آزادی سیاسی". حکومت اسلامی، سال دوم، شماره اول.
۲۳. مهرپور، حسین، ۱۳۷۴. "حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و مواضع جمهوری اسلامی ایران". تهران: نشر اطلاعات.
۲۴. مهریزی، مهدی، ۱۳۷۸. "دولت دینی و حریم خصوصی؛ بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی(ره)". فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۲.
۲۵. هابرماس، یورگن، ۱۳۸۴. "دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی". ترجمه جمال محمدی. تهران: نشر افکار.
۲۶. هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۴. "حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران". تهران: دانشگاه شهید بهشتی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی